روایتی از استعفای حسین نواب، وزیر امور خارجه دولت محمد مصدق

دفاع از مذاکره تا حد استعفا

مهرشاد ایمانی: این روزها که بحث استعفاها داغ است، بد نیست یادی کنیم از استعفای مردی که در ردای سفیر ایران در هلند و سپس وزیر امور خارجه برای ملی‌شدن صنعت نفت هرآنچه داشت در اختیار ایران گذاشت، اما در تاریخ کمتر از او یاد می‌کنند. از حسین نواب سخن می‌گوییم؛ فردی که ملی‌شدن صنعت نفت را با قطع روابط دیپلماتیک و یک‌سویه‌نگری همراه نمی‌دانست. نواب پیش از وزارت امور خارجه سفیر ایران در هلند بود و توانست نقش مؤثری در رد شکایت انگلیس در دادگاه لاهه ایفا کند. هنگامی که انگلستان در چهارم بهمن ۱۳۳۰ شکایت خود مبنی‌بر مغایرت ملی‌شدن نفت با قوانین بین‌المللی و تقاضای محکومیت ایران، به‌خاطر اجرای خلع‌ید را به دیوان دادگستری لاهه تسلیم کرد، دکتر مصدق به نواب دستور داد تا مهلت یک‌ماهه‌ای از دادگاه درخواست کند که در نهایت با حضور مصدق در لاهه، این نهاد بین‌المللی اعلام کرد که برای رسیدگی به شکایت انگلستان صلاحیت ندارد و ایران در آن مقطع به پیروزی شایانی دست یافت. مصدق هنگامی که چنین قابلیت‌هایی را در نواب مشاهده کرد، او را در کابینه دوم خود به‌عنوان وزیر امور خارجه گمارد، اما دیری نپایید که به‌دلیل اتخاذ تصمیم‌هایی متفاوت از سوی افرادی مانند آیت‌الله کاشانی مجبور به استعفا شد. آیت‌الله کاشانی که از مواضع نواب درباره قطع‌نکردن روابط سیاسی ایران و انگلستان در نامه‌ای خطاب به دکتر مصدق از انتصاب او گلایه کرد و گفت که اگر مصدق حاضر به تجدیدنظر در این باب نشود، به‌عنوان اعتراض از شهر خارج خواهد شد. مرحوم حسیبی در آن برهه نوشت: «من به آیت‌الله تذکر دادم که [نواب] مرد باشرف و علاقه‌مندی است و در نفت رُل مهمی بازی کرده است و بایستی از او دلجویی شود». پس از استعفای نواب نه‌تنها از او دلجویی نشد که هیچ‌گاه دیگر او را در بازی‌های سیاسی دخالت ندادند. شاید مخالفان نواب در برهه‌ای که احساسات ملی‌گرایانه و البته پراحساس در اوج و خروش بود، او را متهم می‌کردند که با دفاع از نظریه ارتباط با انگلستان منافع ملی را به خطر می‌اندازد، اما نواب منافع ملی را در حفظ و بقای مذاکرات می‌دید و می‌دانست که با قطع روابط سیاسی این امکان وجود دارد که کشور درگیر مناقشات سنگینی شود؛ در حقیقت او گرچه یکی از همراهان دکتر مصدق محسوب می‌شد و ذره‌ای از منافع مردم و کشور ایران غافل نماند، اما حتی در قبال دکتر مصدق نیز از موضعش کوتاه نیامد و شخصیت سیاسی خود را مستقل نگاه داشت.

مخالفت نواب با مصدق و کاشانی

فریدون مجلسی، تحلیلگر روابط بین‌الملل، باور دارد که حسین نواب برای استقرار اصل مذاکره مجبور به استعفا شد. او در بازخوانی دوران وزارت نواب به «شرق» گفت: «آشنایی دکتر مصدق با حسین نواب قدمت زیادی نداشت. مصدق هنگامی که موضوع دادگاه لاهه مطرح شد، در هلند با نواب که سفیر وقت ایران محسوب می‌شد، آشنا شد و به تسلط، دانش و وطن‌پرستی‌اش پی برد. مصدق که خود دل در گرو وطن داشت متوجه شخصیت میهن‌دوست نواب شد؛ ازاین‌رو پس از واقعه ۳۰ تیر و تشکیل مجدد دولتش او را به وزارت امور خارجه برگزید.

نواب در دوره وزارت خود با دو چالش مواجه شد؛ نخست آنکه او باور داشت قطع روابط سیاسی با انگلستان به صلاح ایران نیست و با این موضوع مخالفت می‌کرد و دوم مخالفت او با تمدید لایحه قانون‌گذاری توسط نخست‌وزیر بود. در موضوع نخست استدلال می‌کرد که اگر ایران با انگلستان قطع رابطه کند، در بهره‌برداری از نفت دچار مشکل خواهد شد، اما آیت‌الله کاشانی که روزگاری در فلسطین در اسارت انگلیسی‌ها قرار داشت، به‌شدت با ارتباط ایران و انگلستان مخالفت می‌کرد و به‌شدت اصرار داشت که تحت هر شرایطی رابطه قطع شود. دکتر مصدق مانند آیت‌الله کاشانی تندوتیز نبود، اما به دلیل آنکه قطع روابط ایران و انگلستان با کلیت افکارش موافق بود و از سوی دیگر می‌دانست مردم نیز از این اتفاق خشنود خواهند شد، با کاشانی همراهی می‌کرد. فاطمی که در آن مقطع سمت معاونت نخست‌وزیری را برعهده داشت نیز با روحیه به‌شدت احساس‌گرایانه و افراطی خود بر این موضوع دامن می‌زد. نواب در مقابل می‌گفت که گرچه نفت را ملی کرده‌ایم، اما هنوز غرامت نپرداخته‌ایم و باید با مذاکره موضوعات را حل کنیم. او باور داشت که ایران احتیاج به فروش نفت دارد و با حرکات تند سیاسی ممکن است دیگر نتواند نفت خود را بفروشد؛ کمااینکه بعدها محموله‌های نفتی که ایران می‌خواست به فروش برساند، خریداری نشد. ملی‌شدن صنعت نفت برای نخستین‌بار در سال۲۳ مطرح شد، اما در آن مقطع مصدق با آن طرح مخالفت کرد، زیرا به درستی می‌گفت که ایران توان پرداخت غرامت را ندارد. نواب نیز به شکل دیگری همین موضوع را می‌گفت با این تفاوت که تمایل داشت بحث غرامت با مذاکره حل شود، نه‌آنکه ایران درگیر یک مناقشه بزرگ بین‌المللی شود».

مجلسی ادامه داد: «مسئله دومی که نواب با آن مشکل داشت، بحث تمدید اختیارات قانون‌گذاری بود. مصدق برای یک‌بار توانسته بود اختیار قانون‌گذاری را از مجلس برای خود اخذ کند. نواب با تمدید آن مخالف بود، زیرا می‌گفت که این موضوع گرچه به تصویب مجلس رسیده است و در ظاهر قانونی به نظر می‌رسد، اما از اساس غیرحقوقی و مغایر با اصل تفکیک قواست. این دو مسئله، به‌خصوص موضوع دوم باعث شد که با فشارهای بسیار مجبور به استعفا شود.

معیار دوگانه انگلستان

داوود هرمیداس‌باوند، استاد روابط بین‌الملل و از اعضای جبهه ملی ایران، درباره قطع روابط ایران و انگلستان در مقطع دولت دوم دکتر مصدق به «شرق» گفت: «ما با یک نهضت سراسری مواجه بودیم که قائل به اصول ۹گانه ملی‌شدن صنعت نفت بود. درواقع ملی‌شدن نفت به یک ایدئولوژی تبدیل شده بود و هیچ‌کس تمایل نداشت در آن کوچک‌ترین خللی وارد شود. انگلستان ملی‌شدن صنعت نفت را به رسمیت نمی‌شناخت و می‌گفت که این کار غیرقانونی است و اگر خارج از اراده‌اش به فروش برسد، کالای قاچاق محسوب می‌شود؛ کمااینکه وقتی یک کشتی ژاپنی بار نفت ایران را حمل کرد، انگلستان به اقامه دعوا پرداخت. اینکه برخی می‌گویند موضوع دفاع از ادامه ارتباط ایران و انگلستان به حل‌وفصل موضوع غرامت بازمی‌گردد، سخن درستی نیست، زیرا ایران مقرر کرده بود که پنج درصد از درآمد برای غرامت کنار گذاشته شود، اما ایران مسائل دیگری داشت که در ابتدا باید آنها حل می‌شد تا به بحث غرامت می‌رسیدیم. چرا هیچ‌کس نمی‌گوید که آیا انگلستان قدمی برای حل دغدغه‌های ایران برداشت یا خیر؟ بنابراین مطلق‌گویی درباره ادامه ارتباط ایران و انگلستان صحیح به نظر نمی‌رسد. دولت کارگری انگلستان تمام بانک‌های خود را ملی اعلام کرده بود، اما درباره ایران معیاری دوگانه داشت».

آنچه از پس بازخوانی روند وزارت نواب می‌توان گفت این است که او گرچه مدت‌زمان اندکی را به وزارت پرداخت، اما نقش او جاودان خواهد بود و شاید یکی از علل غفلت تاریخی درباره بازخوانی زندگی سیاسی او این باشد که رویکردش به مذاق هر دو جناح حاکم در آن زمان خوش نمی‌آمد و شاید بتوان گفت که او در تنهایی استعفا داد تا تاریخ نیز او را تنها بگذارد.

ادامه از صفحه اول

استانی‌شدن انتخابات، تقویت هم‌گرایی یا واگرایی؟

ساده‌ترین مسئله موجب بروز تنش میان استان‌های هم‌جوار می‌شود. لرها که یکی از هم‌گرایانه‌ترین فامیل‌های ایرانی هستند که در صورت اجرای این طرح این فامیل بزرگ در استان‌ها و مناطقی که به واسطه حساسیت‌ها و گروه‌بندی‌های محلی نمی‌توانند نماینده‌ای برای خود داشته باشند، دچار سرخوردگی و بی‌انگیزگی درباره روندهای سیاسی کشور به‌ویژه انتخابات خواهند شد. درباره موارد مشابه دیگر نیز نگرانی‌های جدی وجود دارد.

۲. این ماده از لحاظ تبیین‌ها و تعیین‌های قانونی نیز پراشکال است؛ تبصره ۲ این ماده که بیان داشته در صورتی که محدوده جغرافیایی حوزه‌های انتخابیه فرعی در دو استان هم‌جوار واقع شود، شهرستان یا شهرستان‌هایی که در یک استان واقع شده و جمعیت بیشتری دارند، به عنوان حوزه انتخابیه فرعی جدید محسوب می‌شوند و نماینده به استانی که حوزه اخیر در آن قرار دارد تعلق خواهد داشت. شهرستان یا شهرستان‌هایی که در استان دیگر واقع هستند، نزدیک‌ترین حوزه انتخابیه فرعی به تشخیص وزارت کشور الحاق می‌شوند. این ماده نه تنها از منطق درونی خود مبهم و گنگ است. بلکه برای اجرای آن در عمل چالش‌های تقسیمات کشوری را هم بر چالش ناکارآمدی ساختار انتخابات می‌افزاید. این طرح قطعا در اجرا تنش‌زا خواهد بود. امروزه با جابه‌جایی تابلوی یک روستا بین دو بخش هم‌جوار عده‌ای از مردم به جان هم افتاده و به زد و خورد می‌پردازند. تا چه رسد به اینجا که آرای انتخابات بخش یا شهرستانی از استانی جدا و به استان دیگری افزوده خواهد شد. گویا عزیزان پیشنهاددهنده طرح، غافل از این‌اند که یکی از شئون ذاتی قانون بهزیستی و کم‌کردن تنش است نه تنش‌افزایی.

۳. اگر نمایندگان پیشنهاددهنده طرح واقعا قصد بهینه‌سازی انتخاب‌ها و توانمندسازی مجلس را دارند، می‌توانند در چارچوب نگرش لایحه جامع انتخابات پیشنهادی دولت روند کاندیداتوری را که در آنجا با تأکید بر حزبی جریانی و حضور مشروط انفرادی پیشنهادشده، به صورت حزبی- ملی مشروط به همراه تعیین شرایط سخت‌تری برای حضور انفرادی تصویب کنند.

ت. در ماده ۷ مکرر ۲ کوشش شده جایگاهی برای احزاب و جریان‌های سیاسی هم ذکر شود اما این جایگاه پایه چندان محکمی ندارد. زیرا کاندیداهای انفرادی برای حضور هیچ شرط و ضابطه خاصی ندارند. در شرایط کنونی که شرایط در عرصه سیاسی به گونه‌ای است که شاهد بروز، پیدایش و پررنگی پساسیاست به جای درخشش مفهوم و کُنش سیاسی هستیم امکان پیدایش جریان‌های محلی واگرا و نیز فعال‌شدن باندها در کنار این کاندیداها و رأی‌آوری آنها در قالب این طرح بیشتر فراهم خواهد شد. به‌ویژه در برهه کنونی که دال سیاست متأسفانه در میدان عمل دالی کم‌توان و کم‌صدا شده است و شرایط ساختاری خیابان و جامعه بیشتر میل به پساسیاست یافته که با توجه به سابقه تاریخی و ضعف‌های ساختار دموکراتیک و حتی بوروکراتیک خطر تضعیف جامعه مدنی و بی‌محتواکردن ساختار انتخابات بیشتر خواهد بود.

ث. در تبصره ۳ ماده ۷ مکرر ۳ و ۴ امکان کاندیدادادن توسط احزاب استانی در انتخابات مجلس فراهم شده است در حالی که این موضوع با ماهیت و رویکرد و اهداف این احزاب تطابق ندارد. حوزه عمل و خواسته احزاب محلی در سطح مناصب و مقامات محلی است، نه پست نمایندگی مجلس که یک سمت و جایگاه ملی است. این جایگاه نباید در چنبره و چارچوب یک حزب یا جریان محلی که نگرش، اهداف و برنامه‌های محلی دارد، قرار گیرد و این نیز خود آسیبی ساختاری بر سر برآوردن نمایندگانی توانمند با دغدغه‌های ملی خواهد بود.

ج. در ماده ۸ بیان شده که فرد در حوزه فرعی تعیین‌شده باید حداقل ۱۵ درصد آرا را به دست آورد. این تقلیل از ۲۵ درصد به ۱۵ درصد فاقد توجیه منطقی است. اگر بنا بر توانمندسازی است که باید بر قید ۲۵ درصد، قید اکثریت استانی افزوده می‌شد نه اینکه به نفع یک امر موهوم که به آن اشاره شد و می‌تواند زمین هموار برای فعال‌کردن باندها باشد، از آن انصراف داد. به علاوه اینکه جمع بین ماده ۸ و ماده ۹ در موارد مورد اشاره موجب تنش‌زایی به‌ویژه در استان‌های چندزبانه، دارای مذاهب مختلف یا با ساختار ایلی خواهد شد و نیز در شرایطی که چنانچه استقبال از انتخابات در شهرهای بزرگ و کلان‌شهرها کم باشد، شانس پیروزی با کاندیداهایی است که محلی‌گرایی بیشتری داشته باشند. تجربه ثابت کرده است به هر میزان محلی‌گرایی در یک فرد بیشتر باشد، توانمندی‌های ملی و علمی و کارآمدی او کمتر است.

نمایندگانی که دغدغه کارآمدی و توانمندی نماینده مجلس در سطح ملی را دارند، به فوریت به اصلاح و تصویب لایحه جامع انتخابات با حفظ روح آن بپردازند.

politics@sharghdaily.ir

لایحه پالرمو هفته آینده تعیین تکلیف می‌شود؟

FATF همچنان محل مناقشه

شرق: دیروز برخی از اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام به صحبت‌های رئیس‌جمهوری واکنش نشان دادند. حسن روحانی در واکنش به تعلل مجمع درباره لوایح مرتبط با FATF گفته بود که مقام معظم رهبری مخالفتی با تصویب این لوایح ندارند. غلامرضا مصباحی‌مقدم عضو مجمع تشخیص در واکنش به این گفته روحانی گفت: «رئیس‌جمهور ادعا کرده‌اند که رهبری گفته‌اند با پیوستن ایران به FATF مخالفتی ندارند؛ چه اشکالی دارد ایشان که رئیس‌جمهور هستند طی مکاتبه‌ای از رهبری بخواهند نظرشان را در موافقت با این لوایح اعلام کنند. چه کسی هست که در مقابل رهبری مخالفت کند؟». به گزارش «ایسنا» او افزود: «یعنی اینکه رهبری نظری ندارند؛ نه اینکه موافق این امر هستند. همین موجب شده است که مجمع تشخیص مصلحت نظام به این موضوع ورود پیدا کند. اگر رهبری نظر موافق داشتند که مجمع ورود پیدا نمی‌کرد». این در حالی است که برخی نمایندگان مجلس معتقد هستند که مجمع خارج از حیطه اختیارات خود وارد کار بررسی تخصصی لوایح شده. در حالی که وظیفه مجمع قضاوت بین مجلس و شورای نگهبان است. با این حال به گزارش «فارس» پرویز داوودی، رئیس دفتر رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام هم در ارتباط با صحبت‌های روحانی با اشاره به اینکه عدم مخالفت رهبر معظم انقلاب با «بررسی لوایح» مرتبط با FATF با عدم مخالفتشان با «لوایح» تفاوت دارد، گفت: «در واقع رهبری تأکید دارند که روال قانونی درباره لوایح طی شود؛ یعنی نظرشان را که نهی از دنبال‌کردن پیوستن به این کنوانسیون‌ها بود مطرح کردند، اما تأکید می‌کنند که روال قانونی باید طی شود و حال این روال طی شده و نوبت به بررسی و تصمیم‌گیری مجمع تشخیص مصلحت نظام رسیده است؛ حال واقعا این دیگر چه شلوغ‌بازی و جوسازی لازم دارد که بعضی انجام می‌دهند؟».

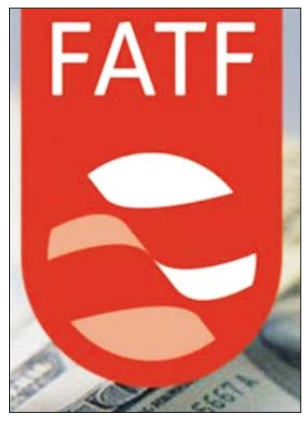

رئیس‌جمهور چه گفته بود؟

غلامرضا مصباحی‌مقدم از ادامه بررسی لوایح مرتبط با FATF نیز خبر داده. او به «تسنیم» گفت که به احتمال زیاد پالرمو در جلسه آتی مجمع که شنبه پیش‌رو برگزار می‌شود تعیین تکلیف نهایی می‌شود. هرچند این اولین بار نیست که مصباحی‌مقدم از تعیین تکلیف این لایحه در مجمع می‌گوید. در حالی که بررسی پالرمو در مجمع تشخیص وارد ماه پنجم می‌شود، در این بین تعویق‌های مجمع در تصمیم‌گیری واکنش‌های زیادی را برانگیخته. هرچند گروه ویژه اقدام مالی در جلسه اخیر خود مهلتی چهارماهه به ایران داد و تعلیق ایران از لیست سیاه خود را تمدید کرد. بر مبنای اعلام این کارگروه اگر ایران تا ژوئن سال ۲۰۱۹ قوانین موردنظر در راستای استانداردهای «اف‌ای‌تی‌اف» را اجرائی نکند، این سازمان بر افزایش بررسی‌ها و نظارت بر نهادهای مالی مستقر در ایران تأکید دوچندان و بیشتری خواهد کرد. رئیس‌جمهوری دیروز در همین زمینه گفت: «صاحب این کشور ملت بزرگ است. حتما ملت و بانک مرکزی و بانک‌های ما حرف خواهند زد... درست نیست که گفته می‌شود اگر لوایح باقی‌مانده تصویب شود هم هیچ تأثیری ندارد. ذره‌ای برای دنیا عقل و تدبیر قائل شویم. تمام کشورهای دنیا در گروه مالی شرکت کرده‌اند؛ یعنی هیچ‌کدامشان عقل و تدبیر ندارند؟ دولت و مجلس و شورای نگهبان ایران تدبیر نداشته است؟ نمی‌شود کشور را دست ۱۰، ۲۰ نفر داد و گفت که هر تصمیمی گرفتند ما تابع آنیم. نخیر، ملت ایران صاحب این کشور است. حتما ملت، بانک مرکزی و بانک‌های ما حرف می‌زنند. اگر رابطه ما با گروه اقدام مالی قطع شود، فعالیت بانکی ما در سطح دنیا با مشکل مواجه می‌شود، اگر یک نفر بانکی در کشور در حرف من تردید دارد حتما بعدازظهر مصاحبه کند و بگوید این حرف درست نیست. اگر این لوایح دوگانه تصویب شود یا نشود، در رابطه ما با بانک‌ها تأثیری ندارد. ذره‌ای برای دنیا عقل و تدبیر را هم بپذیریم. تمام کشورهای دنیا در یک نظام و گروهی شرکت کرده‌اند؛ یعنی هیچ‌کدام عقل و تدبیر نداشته‌اند؟». گروه ویژه اقدام مالی ۱۹۰ عضو دارد و رئیس‌جمهوری نیز به همین موضوع اشاره کرده بود. ایران در کنار کشورهایی همچون گینه نو، جزایر سلیمان و سودان جنوبی هنوز به کنوانسیون پالرمو (مبارزه با جرائم سازمان‌یافته فراملی) نپیوسته است.

الو شرق ۸۸۶۴۰۲۶۰

sharghline@sharghdaily.ir
پیامک: ۳۰۰۰۴۶۹۹

• **قیمت‌های نامرئی داروا**چرا روی جعبه و بسته‌بندی برخی داروها قیمت ندارد؟ این مسئله باعث شده بیماران با شک و تردید داروهایشان را از داروخانه‌ها تهیه کنند.

رادوین رضوی

• **بی‌نظمی در خیابان پیروزی:** عده‌ای از رانندگان مسافربر در میدان شهدا، ابتدای خیابان پیروزی، وسط خیابان مسافر پیاده یا سوار می‌کنند و باعث بی‌نظمی و ترافیک در این محل می‌شوند. از مأموران راهنمایی‌ورانندگی منطقه ۱۴ تقاضای رسیدگی داریم.

یک مخاطب

• **فرهنگ دوچرخه‌سواری:** مسئولان و رؤسای ادارات دولتی برای اینکه مردم را به دوچرخه‌سواری تشویق کنند و فرهنگ استفاده از دوچرخه‌سواری در تهران آلوده جا بیفتد و مردم کمتر از خودروی شخصی استفاده کنند، آنها هم هنگام رفت‌وآمد به محل کارشان و در بازگشت به خانه‌هایشان، دوچرخه‌سواری کنند. از شهردار تهران که برخی روزها این کار را انجام می‌دهد، سپاسگزاریم.

یک مخاطب

• **خواب خوش در ایستگاه مترو:** صبح زود که به ایستگاه متروی شهید حقانی مراجعه می‌کنم، یکی از کارکنان مترو، پشت دستگاه‌های رایانه که کنترل ایستگاه را بر عهده دارند، به خواب عمیقی فرورفته و برخی مسافران هم از نبود نظارت سوءاستفاده می‌کنند و در ایستگاه می‌خوابند! مراتب جهت اطلاع و رسیدگی اعلام شد.

از مسافران دائمی خط یک مترو

• **تبلیغ‌های آزاردهنده شرکت‌های هواپیمایی:** برخی شرکت‌های هواپیمایی با تبلیغ‌های پیاپی و آزاردهنده برای مشترکان تلفن همراه باعث سلب آسایش شده‌اند. مسئول رسیدگی به این‌گونه مردم‌آزاری‌ها چه کسی است؟

از مشترکان خط دائمی ایرانسل

• **ارزانی مُرد!** شعارها و سخنان دلنشین مسئولان برای کاهش قیمت‌ها، نه‌تنها تأثیری نداشته است، بلکه برخی محصولات به‌ویژه قیمت میوه‌ها گران‌تر هم شده‌اند. باید به وعده‌دهندگان بگوییم «ارزانی مُرد!».

علی از تهران